بسمه‌تعالی

جناب آقای علیزاده

سابقه‌ی مدیریت:10 سال رشته‌ و مقطع تحصیلی: سابقه‌ی حضور در آموزش و پرورش: 27 سال

تاریخ مصاحبه: /1401 محل مصاحبه: دبستان پسرانه هیات امنائی شهید چراغی

پژوهشگر: چندساله مدیر هستید 10 سال

چند سال سابقه

27 سال

10 سال کار اداری

مابقی تدریس

جطور شد مدیر شدبد

من سنوات گذشته هم مدیر بودم. وقتی به حوزه اداری منتقل شدم کارهای اداری انجام دادم و دوباره تصمیم گرفتن برگردم به مدرسه و دوستان پیشنهاد مدیریت دادند و چون سوابق مدیریتی داشتم پذیرفتم.

دانشجوی تربیت معلم بودیم.

نگاه حاکم بر فرایند یادگیری در مدرسه شما جیست؟

اول بخواهیم دید کلی در سیستم اموزش و پرورش اعلام کنیم حال مدارس ما باتوجه به شرایط موجود خوب نیست. با نواه عملیاتی و نه نگاه زبانی، خیلی جاها در صحبت‌ها مدارس رو جزو فضاهای مهم و جایگاه مهمی در صحبتها براش اعلام میکنن اما توی عملیات واقعیتش چنین جیزی نیست.

حال مدارس ما خوب نیست به دلیل اینکه بودجه ی خوبی در اموزش و پرورش وجود نداره. و سرانه ی انوزشی به مدارس تعلق نمیگیره و امار بالای دانش آموزی توی شهر تهران مخصوصا باعث شده فضای اموزشی مناسبی رو نداشته باشیم. اما در دوره ابتدایی بحث یادگیری و یاددهی من احساس میکنم باید به سمت و سویی بریم که مهارتهای زندگی رو به بچه ها آموزش بدیم. ما 55 تا مهارت داریم توی بحث محیط مدرسه که این غرصت رو ایجاد میکنه بچه ها مهارت های زندگی رو یاد بگیرن تمرین کنند کسب کنند یاد بگیرند و بعد تولید کنند. چهار آیتم داریم.

اگر بخواهیم جنبه اموزش و پرورش رو در ابتدایی نگاه کنیم باید در این چهار حوزه به نوعی ورود پیدا منیم و کار کنیم.

ننظورتون از یاد بگیرند فرایند آموزش دهی بهشون هست؟

بله یادبگیرن یعنی با هم کار کردن، خوب گوش کردن، خوب حرف زدن، موسیقی، کارهای احترام به دیگران رو کارهایی هست که میتونیم بگیم باید بچه یاد بگیره در دوره ابتدایی

جطور این یادگیری براشون اتفاق میفته؟

با تمرین و برنامه ریزی که بتونن اون 55 مهارت رو معلم ها بهشون اموزش بدن.

میخوام یه مقدار مصداقی تر و جزئی تر و دقیق تر بگید. اینکه می گویید با تمرین و یاددهی، چه اتفاقی باید بیفته که این دانش انوز یاد گرفت؟

چه کاری باید انجام بدم که بدونم داتش اموز چگونه یاد میگیره و جطور یاد میگیره

ما یک بحثی که وجود داره میگیم اول باید این اختیار به معلم ها داده بشه و مدرسه محوری در کشور ما حاکم بشه و بخشنامه ها از حالت متمرکز خارج بشه و بیان به مدارس این اختیار رو بدن که طرخ ها و ایده های خودشون رو در چارچوب آیین نامه اجرایی اجرا کنند. ما وقتی میگیم 55 تا مهارت، ما الان یه بخشنامه ای هست در وزارت به نام اجرای برنامه بوم، لین برنامه اولین برنامه ایست که این اختیار رو به مدارس داده مه طرح های خودشون رو اجرایی کنند. طرح هایی که تجویزی نباشه، یعنی از وزارتخانه، یا حوزه های ستادی ابلاغ نشده باشه. ما اومدیم در این حوزه ورود کردیم، 55 مهارت رو عنوتن کردیم مثل مهارت درست لباس پوشیدن، مهارت دریت راه رفتن، مهارت درست غذا خوردن، کار با قیچی، گره زدن، کار با ابزار، اینها 55 مهارت است که ما یک قالبی رو درست کردیم معلم ها توی ملاس با بجه ها این کارها رو به صورت مهارتی انجام میدن در کنار فعالیتهای کتابشون.

معلم ها چه کاری انجام میدن؟ اینکه عناوین این مهارتها چیست یه بحثه، اینکه من بگم چگونه باید این رو یاد بدم یک بحث دیگه، دلتش آموز چگونه این را یاد میگیرد که من متناسب با مدل بادگیری او برنامه ریزی ام را انجام دهم؟

بچه رو درگیر کنیم با واقعیت. خیلی راحته، مثلا ما داریم میگیم که گره زدن، توی کلاس اول راحت تربن چیز اینه که ادم یه طناب ضخبم دو سه متری ببره و بگه بچه ها گره بزنید. بعد که این رو گره زدن حالا میتونن توی بحث گره زدن بند کفششون پیاده کنن. بستن دکمه ی لباسشون. ببینید ما داریم میگیم مهارت پروری، مثلا در کلاس اول میگیم دانش آموز باید سر انگشتهاش قوی بشه، خب داسه ی قوی شدن خمیر بازی، قیچی کردن، مداد رو دست گرفتن و بازی کردن باهاش، اینا میشه یه کار کاربردی عملیاتی داخل کلاس، همینکه کاغذ رو خرد میکنه، یه کار عملیاتی، مچاله میکنه میشه یه کار عملیاتی، بعد اخرش می‌رسیم به خودش که حالا دکمه هات رو ببند، بند کفشت رو ببند، زیپ پیرهن و کاپشنت رو بکش بالا.

یعنی اینکه بچه به طور عینی در فضا باشه و کار رو انجام بده.

بله، الان یکی از مواردی که در کشور ما کم نیست، پدر مادرها میان خودشون کیف بچه ها رو تا دم کلاس میبرن، ما اینجا این رو ممنوع کردیم، میگیم کیف و کتاب رو سبک کنیم، بچه ها خودشون بردارن، یعنی خودشون بیان کار خودشون رو انجام بدن، ما بحث نظارتی داشته باشیم. شابد گفتنش خبلی راحت باشه اما ما سعی کردیم در اینجا عملیاتی اش کنیم یکی از مواردی که ما اینجا عملیاتی کردبم بحث نظافت کلاسها و زنگ آراستگیه. ما اینجا داریم طرحی رو اجرا میکنیم، زنگ آراستگی، بجه ها قبل از اینکه تعطبل بشن بایید میز و نیمکت خودشون رو مرتب کنن، آشغالهای بزرگ رو بردارن، زباله ها رو جمع کنن، توی حیاط هم همینطوریه. یعنی جوری برنامه ریزی کردیم که بچه ها خودشون فضا رو نظافت کنند و الان به یک سمتی رفتیم که دیگه بچه ها اون زباله رو نمیریزن که بخوان جمع کنند.

یه بخشی هم اگر بتونید مثالهای بیشتر بزنید، مثلا برای آموزش احترام به دیگران، یا انجام کارهای گروهی، برای اینها چه فرآیندهایی رو طراحی کردید؟

ببینید ما الان حول و حوش بیست و پنج آیتم رو طراحی کردیم در بحث مهارت پروری.

این یک نمونه از کارمان هست، فداکاران و مخترعین، توصیف خانه و مدرسه، روزها و منایبت ها شناخت شعرا و... کنترل خشم، خیالپردازی.

اینها رو مخصوص مدرسه ی خودتون طراحی کردید؟

بله فرم‌هایی را تهیه کرده این برای تحقیق بچه ها، در نهایت گفتیم یک کار بزرگ که تو انجام دادی یا میخواهی در آینده ی نزدیک انجام بدی به چالش کشیدیمش.

یا در مورد کنترل خشم گفتیم فکر میکنی علت دعوا و درگیری بچه ها توی مدرسه چیه،چه راههایی برای کم کردن درگیری بچه ها پیشنهاد میکنی، وقتی دوستت بدون اجازه وسیله ات رو برمیداره چیکار میکنی.

یا ایران شناسی، نام و مشخصات دو شهر، رود، و..

ما اینها رو به چالش کشیدیم و مهم ترین چیز در اینجا اول ما مشکلی با دانش اموزان نداریم، ما مشکلمون با پدر و مادرهاست. ما آموزش پدرها و مادرها رو داریم.

ما یک کانال توجیهی و ارتباطی با اولیا داریم که اینها رو به صورت مدون و منسجم میگذاریم، شعارمون هم این هست، بعضی اوقات با یک غلط نوزده نمیشیم بلکه صفر میشیم. بعد این مطالب رو میگذاریم. مثلا چشم و گوش را جدی بگیرید. قدرت تصمیم گیری، آسیب صبحانه نخوردن...

برای ایجاد ارتباط اثربخش با مدرسه ی فرزندتان..

دانه به دانه توضیح دادیم چه کارهایی رو اولیا باید انجام بدن و چه انتظاراتی رو داریم.

خوشبختانه نتایج خوبی حاصل شده.

پس همراه کردن خانواده ها در فرایند یادگیری بچه ها برای شما مهم است و اینکه بچه ها رو درگیر تفکر و پژوهش کنیم و بعد برن و در دنیای واقعیت پیدا کنند.

اصلا ما داریم میگیم که بچه ها باید احترام رو در خدنه یاد بگیرند، همه جیز را، در مدرسه در یک جامعه ی کوچک تمرین کنن، بعد برن در جامعه ی بزرگ شهر و محله اجرا کنند، پس دیدگاه ما این است. باید به این سمت و سو بریم.

متناسب با این ایده ها چه اقتضائاتی رو فضا باید به شما بده؟ و شرایط فعلی جقدر متناسب هست

اولین چیز فضای فیزیکی بحث کلاس هست. لین مدرسه باتوجه به شرایط موجود برای حول و حوش چهارصد نفر ساخته شده اما ظرفیتش هفتصد و پنجاه نفره، کلاسهایی که تعبیه شده به صورت استاندارد تعداد دانش آموزان بیست نفر است اما متاسفانه تا چهل نفر هم رفتیم. این یکی از مشکلات است که فضا و امکانات خوبی را نداریم. مثلا الان توی حیاط مدرسه هر دانش آموز به ازای یک نفر، یک متر فضا نداره، و بعد بحث مالی پیش میاد که متاسفانه ما مشکلات مالی زیادی داریم. هزینه مدرسه زیاد است، هر دانش اموز در طول سال، با پول اب و برق و گاز، بدون اجاره بها، حدود سه م تومن هزینه ای هست. از پول اب و برق و گاز گرفته تا کارهای عمرانی و خدماتی که بتونیم سال رو خوب شروع کنیم و خوب تموم کنیم.

خب اینها موانع و محدودیت هاتون هست، چقدرش رو تونستید اجرا کنید با توجه به همین محدودیت ها؟

من در یک مدرسه ی دیگه ای بودم تا شهریور، شش سال انجا بودم، امسال از 12 شهربور ابن مدرسه رو تحویل من دادند تا این لحظه که حدود چهار پنج ماه شده میتونم به جرات بگم اگر از والدین بپرسید از صد به ما نود رو میدن، شاید هم بالاتر، نمیتونیم بگیم همه رو راضی نگه داشتیم اما کارهایی رو که انجام دادیم میتونم به جرات بگم کارهای کم نظیری بوده، هم منطقه میدونه، هم والدین میدونن، هم خود همکارها که اینجا دارن کار میکنن وقتی قیاس میکنن با سنوات گذشته نمره ی مناسبی رو میدن، اما در دیدگاه خودمون اگر بخواهیم نمره بدهیم، پنجاه و شصت میدهیم چون میدونیم این مدرسه پتانسیلش رو داره اما یه جایی محدودیت ها باعث شده نتونیم بعضی از کارها رو انجام بدیم، اینجا مثلا یک مشکل کتابخانه ی مدرسه است. ازمایشگاه است که خیلی خوب نیست، امکانات و فضای خوبی نداره اما محدودیتمان مالی است. اگر به ما الان فقط حدود سیصد م بدن، که برای مدرسه ی به این بزرگی چیزی نیست، آزمایشگاه و مدرسه رو میتونیم بگیم واقعا تر و تمیز و مرتب تجهیزش میکنیم.

چه کاری میکنید؟ یه مقدار بحث ابزار است.

اول اینکه یک مقدار فضا رو زیباسازی میکنیم و فراهم میکنیم، دو خرید امکانات و تجهیزات است.

در مورد زیبا سازی بیشتر توضیح بدهید.

مثلا نزدیک دو هفته پیش حدود سی تا از مدیران مناطق شهر تهران و تعدادی از مسئولین امدند برای الگوبرداری از این مدرسه که ما در ابن چندماه چه کردیم که این اتفاق حاصل شده. یکی از چیزهایی که عزیزان میگفتند این بود که مدرسه تون روح داره، زنده است، رنگهایی که استفاده کردید شاد هستند. بنرها و رنگ امیزی اتها خیلی زیباست. مثلا ما الان هفت تا کلاس رو امدیم نیمکتهایش را عوض کردیم، نیمکت های رنگ ابی روشن گرفتیم که آرامش می دهد به بچه ها. یا مثلا امدیم تا اخر اذرماه که حدود سه ماه بود اینجا بودم یک بیلان کلی از عملکردمون به صورت بروشور رنگی درست کردیم و به والدبن اطلاع رسانی کردیم که ما از ب بسم الله این کارها را انجام داده ایم. از خارج کردن وسایل اسقاطی و خطرافرین گرفته تا تجهیز و کارهای رفاهی، آموزشی، تشویقی.

نوشته اید تهیه امکانات دستگاه دوخت، قیچی و... برای هرکلاس. توضیح می دهید.

ببینید دستگاه دوخت اندازه ی یک منگنه هست، می دیدیم که معلم بخاطر یک دستگاه دوخت بچه رو میفرستاد پایین، اومدیم اول سال بهشون یه پک اماده دادیم به هرکلاس که بخاطر یه سوزن منگنه یا دستگاه منگنه بخواد بیاد پایین یا دانش اموز رو بفرسته.

ما برای شروع کارمون نقصه ی راه تدوین کردیم، این نقشه را در دفتر خودم نصب کردم به تمام والدین و همکاران هم اطلاع رسانی کردیم. یک تفاهم نامه با عوامل اجرایی بستم، یه تغاهم نامه با معلمان، یه تفاهم نامه با اولیا و دانش آموزان، این تفاهم نامه چیه حدود انتظارات و توقعات یکساله ی ما از مجموعه. له صورت یک تفاهم نامه ی مدون و منسجم. پس سه تفاهم نامه داریم. در اینها اعم حدود. و از معلمها و هنکاران و والدین خواستیم اینها را توجه و رعایت کنند.

تفاهم نامه در چه حوزه هاییست؟

آموزشی، پرورشی، اخلاقی، اجرایی تمام چیزهایی رو که لازم هست

آیا به فضا و امکانات و طراحی هم اشاره دارد؟

بله ما به معلمها اعلام کردیم برای چینش و زیباسازی کلاس چجوری انجام بدید، مثلا در هرکلاس دوتا بنر نصب کردیم و گفتیم وسایلها و کارهای بچه ها رو قراره نصب بشه توی این دوتا بنر نصب یشه، روی دیوار نزنید، تمام موارد مثل قوانین و مقررات، زنگ اراستگی رو به صورت بنر روی دیوار نصب کردیم و گفتیم معلمان، این زنگ اراستگی ماست، باید طبق این عمل کنید. در تفاهم نامه مان تمام موارد را قید کردیم، تمامش، شما هرچیزی را که فکر کنید در طول سال میشه توش عنوان کرد اوردیم.

چه تغییراتی لازم بود برای این برنامه هایی که گفتید در فضا انجام دهید؟ یکسری تغییرات مربوط به ایمن سازی و زیباسازی بود، برخی هم اشاره کردید مثلا تغییر نیمکت و رنگ آن، ایا مدلش را هم تغییر دادید؟

بله . مدل نیمکت رو هم تغییر دادیم. ببینید موقعی که من وارد این مجموعه شدم فقط سه روز یادداشت برداری کردم. فضا رو یازدید کردم. بخواهیم علمی صحبت کنیم، فرصت‌ها و تهدیدهای این مدرسه رو احصاء کردم و موقعیت های مدرسه. بحث بایدها و نبایدها و امکانات مدرسه رو، داشته ها و نداشته هایش را در سه روز کنار هم چیدم و بعد نشستیم براش برنمه چیدیم. یکی از مهمترین کارهایی که اینجا انجام دادیم یک تیم اجرایی و اتاق فکر تشکیل دادیم و اکثر همکارهای عوامل اجرایی چون قبلیها بازنشسته بودند با تیم جدید اومدیم و همین باعث شد که من عزیزانی که میشناسم رو دعوت به کار کنم در پست معاونت باشند و با دید روشن و بدون دیدگاه و شناخت گذشته از دانش آموز نداشتند. اگر معاونین من دانش آموزان را تک به تک بشناسند خیلی خوب است اما از یک زاویه ای هم ضعف دارد. مثلا می گویند این دانش آموز ضعیف است. برچسب میخورد. اما معاونین ما هیچ شناختی از بچه ها نداشتند و وقتی آمدند در یک فضای جدید قرار گرفتند و الان هم به همگاران می گویم هرموقع اشتباه جدیدی در مدرسه اتفاق میفتد میگم نگران نباشید ما در وضعیت شناخت هستیم. بعد برای اینکه موفق بشیم با اینها تفاهم نامه امضا کردیم. گفتم سیاست کاری من به عنوان مدیر مدرسه این است. سیاستگذاری کردیم. چون این عزیزان هم من رو میشناختند می دانستند رویه چگونه است.بعد آمدیم بر اساس همان تفاهم نامه برای معلمان هم یک تفاهم نامه تدوین کردیم و تمام اینها را آوردیم در فاز عملیاتی، اما برای شروع کارمان با بچه ها و والدین یکی از مهم ترین چیزها اعتمادسازی است. اگر میخواهیم حال مدارسمان خوب شود باید برای والدین نسبت به مدارس اعتمادسازی کنیم. اگر والدین هشتاد، نود درصد ببینند مدرسه کار میکند کمک می کنند. حالا ما برای اینکه شروع این کار را خوب و علمی پیش برویم، دو هفتۀ اول رو در هر مدرسه ای هفته ی بازگشایی و شناسایی و ایجاد ارتباط اثرگذار میگذارم. در هیچ جا اجرا نمی شود این. در مدرسه ی ما فقط.هفته ی شناسایی و هدایت دانش آموزان. در این دو هفته چکار میکنیم؟ دانش آموزان رو با قوانین مدرسه آشنا میکنیم. یکی کتاب نداره، یکی روپوش نداره، یکی دست چپه، یکی تندنویسه، یکی کندنویسه. در این دو هفته ما باهاشون ارتباط برقرار میکنیم. معلم ها بچه هاشون رو میشناسن. کلاسهاشون رو برنامه هاشون رو دو هفته ورود به کتاب درسی ممنوعه. اما ورود به کارهای عملیاتی، آموزش مهارتها. چگونه اجازه بگیریم. قوانین و مقررات رو توی اون دو هفته جاری و ساری میکنیم.

در و دیوار این مدرسه را نگاه کنید. 99% کار ابتکاری خودمان است.

هدف علمی ما این بود

تفکیک یا ساماندهی ...

تمام اینها رو سعی کردیم در مدرسه مون عملیاتی کنیم.

رسالت دبستان ...

انقدر که به این مهارتها تاکید دارید به آموزش اولویت نمیدید. درسته؟

من میگم اگر دانش آموزی میخواد نجار بشه، نجار منصفی بشه، درستکار بشه. اگر دکتر میخواد بشه دکتر منصفی بشه. مهندس منصفی بشه.

الان بچه های شما در مرتب کردن اتاق به اندازه ی ریاضی تبحر دارند؟ من میگم مرتب کردن بهتر است. ریاضی را بعدا هم می تواند یاد بگیرد اما بی نظمی رو دیگه یاد نمیگیرن. ما میگیم اول مهارت. بچه نتونه یه جورابش رو پ کنه که فایده نداره. ما میگیم مهارت پروری. الان شما دانشجو بودید یا من هم بودم . رفتم یک استان دیگه درس خوندم میتونستم لباسهای خودم رو مرتب کنه اما الان کسی که رتبه ی دوم کنکور شده ولی یک نیمرو نمی تواند درست کند.

پس مهم مهارت است. درس رو اروم اروم هم یاد میگیرند. شما همینها رو فقط بخون. فقط. خود این آموزش است. شما مطمئن باش یه درس ریاضی رو که میخونی حتما همه ی اینها در همان درس گنجونده شده اما اینکه معلم چطور بتونه این رو با اون تطبیق بده و تلفیق کنه مهمه. بعضی وقتها معلم من میگه آخه معلم ریاضی چطور دینی رو درس بده. ولی من میگن اون هم میتونه با یه عبارتهایی بچه ا رو به سمت دین و اعتقادات بیاره. تمام اینها میشه ولی کمی وقت و حوصله میخواد.

دفتر مدیر به عنوان اتاق فکر درنظر گرفته شده است.

شما امروز فی البداهه آمدید. این چیدمان به همین شکل هست. همین امروز بگویند جلسه دارید تمام وسایل ما اینجا هست. فقط یک فلاسک لازم است و .. اما اذیت شدیم در این سه، چهار ماه.

تک تک عزیزان.

ما برای روز پدر و مادر برای والدین هدیه ای تهیه کردیم. یک روان نویس.

آیا ساختمان‌های فعلی مدرسه را برای ایده‌ای که برای یادگیری دارید (آموزش، تمرین و درگیری بچه‌ها با واقعیت، تولید) مناسب می دانید؟

اگر بودجه داشتید چه تغییراتی را در فضا انجام می دادید؟ لطفا مصداقی نام ببرید.

اگر از ابتدا قرار بود برای ساختمان مدرسه طرح بدهید، چه نکاتی برایتان مهم بود؟ (حتی نکاتی که در معماری مدرسه باید لحاظ شود)

شما گفتید می‌خواهید بچه‌ها را برای زندگی در جامعه‌ی بزرگ شهری آماده کنید، در این راستا، با فضاهای یادگیری بیرون از مدرسه چقدر و چگونه ارتباط دارید؟

نقطه‌ی قابل توجه مدیریت شما، کار تیمی و گروهی است، چه عاملی در شخصیت شما به شما در این مسیر کمک می‌کند؟

آقای علیزاده شما نقطه قابل توجه مدیریت شما بحث کار تیمی و کار گروهی بود که تیم تشکیل داده بودید و با معاونین‌تون و حالا تو همه ساحت ها، فکر می کنید چه عاملی تو شخصیت خودتون بوده کمک کرده کمک می کنه به مدیریت به این روش و مدیریت موفقتون

یکی پشت کاره یکی تجربه است من فکر می کنم پشت کارم خوبه سعی و تلاش هم خوبه وقت گذاری‌ام خوبه و بحث تجربه به اندازه کافی تجربه کافی رو داریم و الحمدالله کار رو واردیم.

اها خب الحمدالله فکر می کنم روون هم هست ارتباطتون با تیمها و اعضای تیم.

چون دیگه می گم وقتی آدم خودش پای کار باشه پشتکار داشته باشه من فکر می کنم بقیه اعضای تیم هم میتونن حمایت کنن و میتونن عرضم به حضور شما تو کنار شما حرکت کنیم.

اینجور که مشخصه شما مدیری هستین که بقیه نباشن هم شما هستین درسته

الان امروز رو می گین

من امروز روز بین التعطیلین بود من معاون ها رو استراحت دادم گفتم من خودم هستم شما نمیخواید بیایید

بسیار عالی شما ساختمان های فعلی مدرسه رو شما ایده ای که برای یاد گیری داشتید در واقع فرمودید آموزش یا حالا یاددهی به بچه ها تمرین و اینکه بچه ها رو با واقعیت درگیر بکنی بعد بچه ها به تولید برسن

بله

فکر می کنید فضای فعلی مدرسه حالا یا ساختمون چون اون فضای فیزیکی من مدنظرم حالا از معماری گرفته تا بقیه چیدمان های مدرسه مناسب هست برای این ایده ای که دارید.

نه متاسفانه شما برید بگردید هم به ندرت مدارسی رو پیدا می کنید که فضای آموزشی مناسب کافی و لازم رو داشته باشن تو بحث کتاب خونه نماز خونه آزمایشگاه و حتی همون کلاس درس الان ما توی این چندین ساله اومدن ساختمان ها رو ساختن نیم طبقه ساخت توی هر طبقه سه تا دونه کلاسه بعد پله میخوره عملاً رفت و آمد و کنترل دانش آموزان به سختی انجام میشه

یعنی الان این ساختمون های جدید رو هم دیگه میگید خوب نیست

این ساختمون های جدید متاسفانه بله به صورت نیم طبقه میسازن به این نیم طبقه ها باعث میشه که ما نتونیم کنترل خوبی رو بچه ها داشته باشیم مثلا تو هر طبقه ای یهویی میبینی سه تا دونه کلاس درست کردن بعد کلاس هاشون یا اتاق هاشون اتاق های کوچیک تو همین مدرسه الان ما اتاق های داریم که یدونه هم نیستن شاید سه چهار تا داشته باشیم که چهار متر اتاقه اصلا نمیدونیم اینو چیکار کنیم نه میشه دفترش کرد نه میشه کلاسش کرد حتی یک فرد هم شاید به سختی بشینه

اونجا آبدار خونه هم نمیشه کردش

اصلا همین الانم اگه خواسته باشید نشون بدم خیلی فضای حالا می تونستن اصلا اونجا رو اتاق نسازن به سالن اضافه کنن به محیط اضافه کنن اما نشده دیگه

خب فکر می کنید که شما اگر قرار بود طرحی برای ساختمون مدرسه بدین حالا همین نکات رو یعنی پس جای خودتون رو خالی میبینید توی اون بخشی که در واقع طراحی ساختمون مدارس

ببینید الان من یکی از ایراد هایی که میتونی توی کل کشور بگیریم بحث معماری ایرانی سنتی یا اون بحث معماری های قدیم هست که اصلا فراموش شده تو ساختن مدارسمون بعد حتی اومدن بعضی وقتا ساختمون های قدیمی که سنت دیرینه دارند این ها رو از بین بردن و بعد مدرسه ای ساختن که اصلا فضاش با محیط مدرسه اصلا سازگار نیست من فکر می کنم باید بیاییم به سمت عرضم به حضور شما معماری ایرانی رو توی مدارسمون جاری کنیم فکر می کنم این از نظر برد آموزشی و تربیتی خیلی خوب باشه.

بزرگترین نقطه مثبتشون فکر می کنید چیه که تو معماری ایرانی استفاده کنن

بعد من احساس می کنم این یه نکته تاریکی هست که تو مدارسمون هست الان شما برید بگردید اصلا از اون قدمت های ایرانی و اون صبقه های قدیمی ایران معماری های ایرانی استفاده نشده.

مهمترین ویژگی اون معماری ها چی بوده تو مدارسشون که فکرمی کنین

من احساس می کنم بخاطر همون یه بحثش آموزشه شما میخوای تخت جمشید رو به بچه ها آموزش بدید میگید نمای کلی ساختمونمون از اونجا نشأت گرفته یا جاهای دیگه یا چهل ستون یا برنامه های دیگه مثلا میتونید خب پیاده سازی کنید حتی الان تو نماهای ساختمون محل سکونتمون هم اینطوری نیست من فکر می کنم شهرداری باید سمت این سو چیزا بره

پس اگر قرار بود برای ساختمون مدرسه خودتون طرح بدید اینکه به سمت معماری ایرانی درسته

خیلی مهمه خیلی مهمه

شما فرمودید که بچه ها رو برای زندگی تو جامعه شهری میخواهید آماده بکنید مراحلی که گفتید گفتید تو خونه یاد بگیرن تو مدرسه بیشتر تمرین بکنن که آماده بشن برای رفتن به جامعه بزرگتر توی این راستا با فضاهای یاد گیری بیرون از مدرسه هم ارتباطی دارین.

بله با مساجد با سران محله ها ارتباط داریم که ما عملا دانش آموزانمون رو به اونجا معرفی می کنیم که از سرای محله عزیزانی میان واسه آموزش دانش آموزان مون

خب این کمک می کنه تو اون مهارت های شون چون تو مهارت های زندگی خیلی تاکید می کنید

خیلی مهمه ببینید ما میگیم بحث سرای محله کسی زیر مجموعه از شهرداری هست من فکر می کنم باید ارتباط تناتنگی بین شهرداری و بعد عرضم به حضور شما مدرسه وجود داشته باشه چون مدرسه واسه محله است دیگه محله من فکر می کنم اگه شهرداریش اگه مساجدش با مدارس هماهنگ باشن هماهنگ دو طرفه و تقابل دو طرفه وجود داشته باشه من فکر می کنم تاثیرات خیلی مثبتی رو داره

درسته اگر بودجه داشتید توی فضا چه تغییراتی رو انجام میدادید به صورت مصداقی اگر

بله اگه ما تامین اعتبار بشویم اینجا من خیلی دوست دارم مثل مدرسه قبلی اتاق بازی واسه بچه ها درست کنم که اونجا بیان بازی های فکری رو انجام بدن بعد عرضم به حضور شما اونجا تخلیه انرژیشون انرژیشون تخلیه بشه و یکی هم این که به آزمایشگاه و اتاق تکنولوژی خیلی اهمیت میدادم

اتاق تکنولوژی همون اتاقی که برای سایت و همین اینا میشه

بله دقیقا همین چند منظوره بتونیم ازش استفاده کنیم

الان فضای حیاط نمیتونین برای ایده های که برای بازی بچه ها دارید استفاده کنید

نه ببینید ما یکی این که حیاطمون کوچیک هست به تعداد دانش آموز هفتصد و پنجاه تا دانش آموز ما حتما میخواهیم فضای اتاق بازیمون یه فضای بسته باشه که سقف داشته باشه بتونن بچه ها حتی در زمان آلودگی یا در زمان سرما حتی از اون فضا استفاده کنن که بازی هایی مثل شطرنج مثل مارپله مثل مثلا باز یهای فکری آموزشی تو اونجا انجام بدن حتی فوتبال دستی و این‌ها.

من اون دفعه یه برگه ای شما دادین بمن که عملکرد من مدرسه این بخشه ایمن سازی و زیبا سازیتون رو داشتم میخوندم و حالا اقدامات آموزشی پرورشی نکته ای که برام جالب بود این بود که حالا بیشتر طرح هایی که اینجا نوشته بودین در راستای ایمن سازی محیط بود برای خود من حالا خیلی جای سواله خودش جای ناراحتی هم داره که انگار مدارس ما هنوز رو همین حداقل ها هم موندن یعنی اونقدر که شما انرژی واسه این حداقل ها باید بزارید تا اینکه بخواهید برسید به اون مقصد آموزشی یخورده انگار در واقع وقتتون رو میگیره در واقع

ببینید من خدمتتون عرض کنم که متأسفانه در واقع الان توی کشورما مدیران، مدیران خدماتین تا آموزشی متاسفانه مدیران مدارس وقتی وارد مدرسه میشن با دنیای از مشکلات کمبود امکانات، بعد فضا قدیمی هست عرضم به حضور شما چجوری میگن تخریب ها زیاد هست مدرسه وقتی قدمت پنجاه ساله داشته باشه بحث لوله کشیش هست بحث برق کشیش هست تمام این ها مشکل داریم همه این ها مشکلاتی هست که من مخصوصا الان مدارسمون که الان اکثرا به صورت عرضم به حضور شما قدمت چندین ساله دارن همین مشکلات باعث میشه که مدیرای ما بیشتر به سمت کارای خدماتی و عمرانی برن تا عرضم به حضور شما آموزشی و تربیتی متاسفانه این مشکل هست که الان تو بیلان کاری ما هم نگاه کنی ما بیشتر کار عمرانی انجام دادیم

این بخش ایمن سازی و اینا که تقریبا عمرانی بود دیگه حالا بجز مثلا اون بنر های آموزشی و کتاب بود که چندتا مورد بود که

البته ما میگم کلی بخواهیم حساب کنیم همه جوره اومدیم فعالیت ها رو انجام دادیم اما دیدگاه کلی اینطوریه متاسفانه مدیرا مدیرای خدماتی هستن تا آموزشی

این ایجاد راه رو های علمی برام جالب بود یعنی راه رو ها رو خیلی بهش اهمیت دادی

ببین قبلا میگفتن تقلب الان میگن یاد گیری دیداری ما اومدیم جدول ضرب نقشه ایران کره اومدیم تو جای جای سالن‌های مدرسه نصب کردیم بچه ها با دیدن اینا آموزش میبینن مثلا اومدیم یه چجوری میگن زندگینامه شعرا رو زدیم اونجا که بچه ها با دیدن اون بالاخره یه نکته آموزشی تربیتی هم از بحث دیداری انجام بدن و خوشبختانه به این نتیجه خوبی هم رسیدیم.

**مجری:** شما روی بحث یاد گیری دیداری خیلی درواقع فکر می کنم تو مدرسه چیز دارین

اصلا شما چیز کنید بیشتر آموزش هامون دیداریه

اره اصلا جوری که محیط مدرسه رو ساختین همه بنر ها مواردی که در رو دیوار میزدین

باید در و دیوار مدرسه بوی تربیت بوی آموزش بده در و دیوار مدرسه باید موج بزنه از کارهای تربیتی آموزشی، جمله های عرضم انگیزشی که حداقل بچه ها با مطالعه یا ارباب رجوع یا مخاطب که میاد ملاحظه می کنه بالاخره یه دیدگاه مثبتی پیدا کنه تو اون مدرسه

شبیه مدرسه باشه در واقع

بله بوی مدرسه بده

تاثیری هم یعنی بعد یه مدتی برای بچه ها عادی نمیشه چیزایی که رو در و دیواره که نبینن بهش توجه نکنن.

خب بهتره بالاخره یه تغییر و تحولی داده بشه اما در حال حاضر به این فکر نکردم که مثلا بگم بچه ها واسشون تکراری بشه بعد ما بالاخره طبقه اول عموما بچه های کلاس اول و دوممون هستن اینا اصلا به ندرت می رن طبقه دو و سوم سال های بعد میرن واسشون تازگی داره بعد مطمئنا الان پایه ششم ما رفته الان طبقه سوم طبقه سوم ما تا الان مثلا بچه های ششم ما اصلا نمیرفتن الان تازه امسال رفتن دیگه واسشون محیط تازگی داره

درمورد راه رو های علمی من یه مدرسه ای رفته بودم کارش برام جالب بود دخترونه بودن دخترانه دوره اول بود کف راه رو ها رو اومده بودن مربع های بازی کشیده بودن و هر معلمی طراحی بازی می کرد و اینجوری راه رو هاشون رو چیز کرده بودن

مثل حیاط پویا بله بله اما تو سالن بود

تو سالن بود و خب بازی هاشم خوده معلما چیز می کردن طراحی می کردن

ببین اینا چیز هایی هست جواب میده الان مثلا بعضی ها اومدن تو راه راهاشون راه پله هاشون جدول ضرب رو گذاشتن اینا همش جنبه علمی تربیتی داره دیگه

دست شما درد نکنه من مزاحم نشم بیشتر از این

ممنون سلامت باشید دست شما درد نکنه خوشحال شدم ممنون از وقتی که گذاشتین

ممنونم از شما بابت روی خوشتون و وقتی که گذاشتین ایشالا بشه من پسرامم بیارم اینجا

ما در خدمتیم ایشلا خیره ایشالا هر اتفاقی میافته خیر باشه ایشاالله

